

نقش تحولات مسکن بر کیفیت محیطی مناطق روستایی با تاکید بر مؤلفه سرزندگی (مطالعه موردی: بخش سنگر شهرستان رشت)^۱

حمید زیران

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

محمد باسط قرشی مینا آباد^۲

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تیمور آمار حاجی شیرکیا

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

عیسی پوررمضان

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

چکیده

سیاست‌گذاری مربوط به مسکن در تمامی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که بدون در نظر گرفتن تحولات و مؤلفه‌های آن، که قرار است سازنده و محمل آسایش روانی انسان باشد ممکن است در اثر فشار محیط نتواند این نیازها را برآورده سازد. پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به این سؤال است که تحولات مسکن چه تاثیری بر شاخص‌های کیفیت محیطی با تاکید بر مؤلفه سرزندگی در بخش سنگر شهرستان رشت می‌گذارد؟ و این شاخص‌ها در محدوده مطالعاتی از منظر ذهنی ساکنان چگونه تحلیل می‌شوند؟ برای رسیدن به این مهم، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به‌کارگیری آزمونهای آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون T یک‌طرفه و زوجی، به ارزیابی هرکدام شاخص‌ها پرداخته شده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۴ پرسشنامه در روستاهای مورد مطالعه توزیع گردیده است. این پرسش‌نامه‌ها تأثیرپذیری کیفیت محیط را در مقابل تحولات مسکن از طریق مؤلفه سرزندگی مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل بیانگر آن است که شاخص امنیت مسکن روستایی بیش از پیش بر مؤلفه سرزندگی در محیط مناطق روستایی ارجحت یافته تا جایی که روستاییان گویه‌های مرتبط با متغیر ایمنی را بیش از گویه‌های دیگر در تحولات مسکن مدنظر قرار می‌دهند و از دید روستاییان، امتیاز مؤلفه سرزندگی محیط روستا در طراحی مسکن روستایی در سطح متوسط ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی: تحولات مسکن، کیفیت محیط، سرزندگی، ایمنی، بقاء، سازگاری.

۱- این مقاله برگرفته از مباحث رساله دکترای حمید زیران با عنوان "تبیین نقش تحولات مسکن بر کیفیت محیطی نواحی روستایی بخش سنگر شهرستان رشت در یک دهه اخیر" به راهنمایی آقای دکتر محمد باسط قریشی و مشاوره آقای دکتر تیمور آمار حاجی شیرکیا و خانم دکتر آتوسا بیگللی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) ghoreshi@iaurasht.ac.ir

مقدمه

مسکن روستایی، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است. امروزه تأمین مسکن به‌عنوان یکی از معضلات اقشار گوناگون در نواحی روستایی مطرح است. همچنین مشکلاتی نظیر تکوین و گسترش خودجوش و بدون نقشه قبلی، قدمت اکثر روستاها با بافت فرسوده از دلایل مهم توجه به شاخص‌های استاندارد مسکن روستایی است. از سویی در کنار این شرایط، بسیاری از شاخص‌های مسکن روستایی تحت تأثیر معماری و هویت آن معنا می‌یابد که در بسیاری از ساخت‌وسازهای جدید این معیار موردتوجه قرار نمی‌گیرد (Bite, 2011: 120). چنین مسائل و معضلاتی درباره مسکن روستایی ضرورت توجه به آن در برنامه‌های توسعه فضایی کشور به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی را برای نهادهای ذی‌ربط افزایش می‌دهد. مهم‌ترین دلایل توجه به مسکن روستایی عبارت‌اند از: تحول شرایط زندگی روستایی و التزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش خسارات بلایای طبیعی (سیل، زلزله، طوفان و ...)، الزامات بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و ... از سویی فراهم آوردن شاخص‌های کیفی مسکن در بلندمدت تأثیر شگرفی بر بهبود فضای زیستی روستاها خواهد گذاشت و این منافع تنها منحصر به بعد کالبدی و فیزیکی روستا نخواهد شد (Ministry of Housing and Urban Development, 2006: 33). با این تفاسیر پرداختن به موضوع مقاوم‌سازی و نوسازی و بهسازی مسکن روستایی از اهم موضوعات پیش روست. یکی از طرح‌هایی در این زمینه که توسط بنیاد مسکن در سال ۱۳۷۴ هم‌زمان با طرح اصلاحی روان‌بخشی در روستا اجرا شد، طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است. بهسازی از نظر لغوی به معنای توان بخشیدن دوباره، باز توان بخشیدن و دوباره توانمند کردن است؛ ولی در اصطلاح به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به‌منظور ابقاء و بهبود کالبد و فضای بافت و بهبود کیفیت زیست بومی روستائیان با بهینه‌سازی ساختار فرهنگی و کالبدی جوامع روستایی در راستای سازمان‌دهی فرآیند توزیع عادلانه امکانات زیربنایی و تسهیلات رفاهی در کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد (Habibi and Maghsudi, 2001: 18).

کیفیت چگونگی یک چیز یا پدیده است که تأثیرات عاطفی، عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد (Pakzad, 2007:35). زمانی که پدیده خود را در معرض محیط قرار می‌دهد، یا محیط خود، در معرض ادراک قرار می‌گیرد، نمودهایی از آن که برجسته‌تر است و دارای تأثیرات بیشتر، کیفیت نامیده می‌شود. بر اساس طبقه‌بندی کلی انجام گرفته، محیط پیرامون انسان به دو دسته مؤثر و بالقوه تقسیم می‌شود. محیط بالقوه محیطی است که هر موجودی به‌صورت ناخودآگاه از آن تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. در صورتی که محیط مؤثر، محیطی خودآگاه است، محیطی که انسان از تأثیرات متقابل آن آگاه است و آن را به‌درستی درک می‌کند (Lang, 2007:88) آنچه در تعریف کیفیت محیط مورد توجه است، ارتباط متقابل آن با محیط مؤثر است. کیفیت محیط آن چیزی است که محیط به وسیله آن نمود پیدا می‌کند و ادراک می‌شود و چون ادراک نیازمند آگاهی و برخورد با محیط است بنابراین آنچه مدنظر است محیط مؤثر است، محیطی که با ویژگی‌های خاص خود موردتوجه بوده و تأثیرات آن بر حاضرین و ناظرین برقرار است. برنامه‌ریزی‌ها در ابعاد و جنبه‌های مختلف زندگی سبب شد که از اواخر دهه ۱۹۶۰، تحت تأثیر نیازها و آگاهی‌های جدید، مفاهیم اجتماعی نوینی مثل رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در قلمروی برنامه‌ریزی و توسعه

عمومی مطرح شوند. (Mahdizadeh, 2006:301). با رواج و کاربرد این مفاهیم در جهت دستیابی به معیارهای کیفی در مطلوبیت کیفیت محیطهای شهری و روستایی، دخالت دادن عوامل محیطی، فرهنگی- اجتماعی و روانی به عنوان ضرورتی اصلی مطرح شدند (Rahimi et al, 2014:13). مدیریت جدید توسعه روستایی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمعگرایی و مشارکت را در دستور کار قرار دهد و قادر به تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها روستایی باشد (Motie Langroodi, 2003:229). رشد روزافزون صنعت و فناوری در جوامع امروزی خصوصاً جوامع روستایی تغییراتی را در شیوهی زندگی به همراه داشته است. این تغییرات از دو جنبه جسمی و روانی، زندگی انسانها و خصوصاً مسکن را به چالش کشیده است. معماری مسکن روستایی در ایران با در نظر گرفتن ویژگیهای کلی و اصلی آن، از تنوع برخوردار است. به طور کلی ترکیب فضاها موجود در یک واحد مسکونی در نقاط روستایی کشور متأثر از شرایط اقلیمی، جغرافیایی و معیشتی است (Lotfi et al, 2009:121). جوامع توسعه یافته برای تطبیق و هماهنگی با این گونه تغییرات و چالشها، از چند دهه قبل به فکر افتاده و راه حل هایی ارائه و آزمایش کرده اند. در این میان توجه به آسایش روانی و جسمانی انسان حائز اهمیت است. مسکن مهم ترین محیطی است که روح و جسم انسان روزانه با آن درگیر بوده و محیط مؤثر برای انسان تلقی می گردد. لذا برنامه ریزی برای آن و رصد تغییرات آن از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل مسئله تحقیق را می توان در قالب پرسش های زیر عنوان نمود: شاخص های مؤلفه سرزندگی در روند تأثیرگذاری تحولات مسکن بر کیفیت محیطی کدامند؟ و این که شاخص های تشکیل دهنده سرزندگی در بخش سنگر از دیدگاه ساکنین چگونه قابل تحلیل است؟

رویکرد نظری

کیفیت واژه ای است که در تمامی رشته های هنری، عملی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به صورت مستمر در چارچوب گفتمان حوزه های مزبور به کار برده می شود. با این وجود، تلاش برای درک کامل معنای این واژه تلاشی ساده و آسان نیست. دشواری این امر نه به واسطه معنای شهودی واژه (که به سادگی قابل وصف است) بلکه از سرشت متکثر و چندگانه آن سرچشمه می گیرد کیفیت مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی است روشن و واضح، ولی در عین حال چند پهلو مفهومی است قابل فهم ولی در عین حال فرار که به راحتی تن به تعریف شدن نمی دهد؛ به عبارت دیگر، هنگامی که این واژه در مورد کیفیت های ملموس همچین سختی، نرمی، سرعت و غیره به کار گرفته می شود مفهومی روشن و قابل فهم دارد؛ لیکن زمانی که در مورد کیفیت های غیرملموسی نظیر زیبایی، شکوه، تأثیرگذار و غیره استفاده می شود، به مفهومی فرار و چند پهلو مبدل می گردد. گستردگی ابعاد و جوانب هر دو حالت مورد اشاره باعث گردیده است که مفهوم کیفیت به مفهوم نسبی که واجد معنایی فراتر و متفاوت بامعنای بدیهی و معمول آن است، تبدیل شود. به طور کلی کیفیت واژه ای است که در تمامی رشته های هنری، علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به صورت مستمر در چارچوب گفتمان حوزه های مربوطه به کار برده می شود. با این وجود، تلاش برای درک کامل معنای این واژه، تلاشی ساده و آسان نیست. دشواری این امر نه به واسطه معنای شهودی واژه (که به سادگی قابل وصف است)، بلکه از سرشت متکثر و چندگانه آن سرچشمه می گیرد. «کیفیت» مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی «روشن و واضح» ولی در عین حال «چند پهلو». مفهومی است قابل فهم، ولی در عین حال «فرار» که به راحتی تن به تعریف شدن نمی دهد (Golkar, 2000: ۷).

ادراک محیطی، فرایندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند (Mattalebi, ۱۳۸۰, ۵۶). در حقیقت ادراک محیطی، از تعامل و تقابل ادراک حسی و اطلاعات شناختی، که در ذهن انسان ذخیره شده‌اند؛ حادث می‌شود. در این فرایند، نقش محیط به‌عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری موردتوجه قرار می‌گیرد (Marans, ۲۰۰۳: ۶۵).

کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح برای وصف درجه کمال^۱ اشیاء و پدیده‌ها به کار برده می‌شود. با این حال تعیین نمودن اینکه چه چیزها و چه خصوصیتی واقعاً بیانگر درجه کمال یک شیئی هستند امری دشوار است. دشواری این امر، یعنی تدوین ابزاری برای اندازه‌گیری و ارزیابی جهت کاربرد توسط همه افراد، نه صرفاً به خاطر تفاوت خصوصیات اشیاء، همچنین به‌واسطه سرشت نظری و ذهنی برخی کیفیت‌ها نظیر زیبایی است؛ چرا که افراد انگاره‌ها و نظام‌های ارزشی متفاوتی را به‌طور آگاهانه یا ناخودآگاهانه برای ارزیابی خصوصیات اشیاء به کار می‌گیرند. معنای لغوی واژه کیفیت در فرهنگ زبان فارسی عمید، "چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی عنوان گردیده است. واژه فارسی کیفیت به لحاظ ریشه‌شناسی واژه (etymology) از واژه عربی کیفیه، که اسم است، مشتق شده است. در این قسمت لازم است که به معنای واژه "کیفیت" در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های هم ریشه آن نیز اشاره‌ای داشت، چرا که عمده‌تاً مفهوم کیفیت در ابعاد حرفه‌ای آن در وهله نخست از طریق ادبیات تخصصی رشته طراحی شهری به زبان انگلیسی وارد گفتمان این رشته در ایران شده است. از نظر لغوی واژه کیفیت^۲ در زبان انگلیسی به ماهیت، نوع، یا خصوصیت یک شیئی اشاره می‌کند. این واژه از لغت‌های لاتین کوالیتاس^۳ و "کوالیتاتیس^۴ به معنی از یک نوع واژه فرانسوی کالیته^۵ مشتق شده است.^۶

واژه کیفیت در زبان انگلیسی به معنای چیزی که یک شخص، یک شیئی، و یا یک فکر داشته و موجب خاص و جالب شدن آن‌ها می‌گردد.^۷ فرهنگ انگلیسی اکسفورد نیز در ذیل واژه کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می‌نماید:

۱- درجه خوبی و ارزش چیزها

۲- خوبی و کمال به مفهوم عا

۳- صفات و خصوصیات

۴- جنبه ویژه و علائم ممیزه^۸

در حالی که واژه کیفیت از نظر دستوری در زبان فارسی صرفاً در نقش اسم ظاهر می‌شود، این واژه در زبان انگلیسی بعضاً در نقش صفت، (مثلاً "design urban quality a" به مفهوم طراحی شهری باکیفیت خوب) و گاهی اوقات در نقش اسم ترکیبی، (مثلاً "quality of design urban an" به مفهوم طراحی شهری باکیفیت یا خوب) به کار

^۱. a degree of excellence

^۲. quality

^۳. qualitas

^۴. qualitatis

^۵. qualite

^۶- Billings, Quality in Design, 1993, P.1.

^۷- Longman Lexicon of Contemporary English 1981, P. 680

^۸- Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English 1989, P. 1023.

می‌رود. واژه "کیفیت" بعضی اوقات به‌عنوان متضاد واژه کمیت^۱، به کار گرفته می‌شود، که در این حالت برخلاف مفهوم کمیت که به خصوصیتی فیزیکی ارجاع دارد، به خصوصیتی غیرملموس اشاره می‌نماید. مراد از واژه "کیفیت"، هنگامی که به‌عنوان درجه و میزان خوبی "یک شیئی به کار می‌رود این است که درجه خوبی آن شیئی زیاد است؛ به عبارت دیگر واژه کیفیت در زبان انگلیسی چنانچه بدون قید و اضافات به کار رود، به مفهوم کیفیت خوب است. لذا کیفیت یک شیئی از این نظر به درجه و میزانی که یک شیئی از شیئی دیگر بهتر است اشاره دارد. به نظر می‌رسد با توجه به‌مروری که بر معنی لغوی واژه "کیفیت داشتیم، بتوان کیفیت یک شیئی را به این‌گونه تعریف نمود: "مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیئی از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم، و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن، و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم"^۲.

یکی از پرسش‌های اساسی در بحث کیفیت، مسئله حالت وجودی^۳ آن است؛ به عبارت دیگر هنگامی که گفته می‌شود شیئی معینی دارای کیفیت خاصی است (نظیر یک خیابان زیبا)، آیا به این مفهوم است که این خود شیئی است که مالک کیفیت مزبور است؟ و چنانچه این‌گونه است، حالت واقعی^۴ چنین کیفیتی چیست؟ یا اینکه منظور این است که این ما هستیم که کیفیت زیبایی را به آن خیابان اعطاء و فرافکنی^۵ می‌کنیم؟ یا اینکه منظور این است که کیفیت زیبایی زمانی امکان تجلی و وجود می‌یابد که ما خیابان را مورد مشاهده قرار داده باشیم؟ بحث فوق این پرسش را که چگونه و در کجا چنین کیفیت‌هایی وجود دارند؟ طرح می‌نماید. پاسخ این پرسش، اینکه آیا کیفیت‌های زیباشناختی در ذهن ادراک‌کننده^۶ مشهور سوژه و اَبژه^۷ یا فاعل شناسایی و شیئی شناسایی شده صورت‌بندی نمود. از این‌رو گفته می‌شود کیفیت یک شیئی از دو منبع یا دو عرصه سرچشمه می‌گیرد:

۱- عرصه ذهنی فرد

۲- عرصه عینی شیئی.

بر اساس این نظریه، کیفیت‌هایی که متعلق به عرصه ذهنی هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون ضمیر^۸ فرد ساکن هستند. متقابلاً کیفیت‌هایی مرتبط با عرصه‌ی عین کیفیات متعلق به شیئی است که به شکل موجودیتی خارجی در معرض ذهن قرار گرفته و با حقایق جهان خارج سر و کار دارند. کیفیت‌های ضمیری^۹ را می‌توان به‌عنوان ارزش‌هایی که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به‌سختی می‌توان آن‌ها را اندازه‌گیری نمود معرفی کرد. کیفیت‌های مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیاء معمولاً از این دسته هستند. برخلاف کیفیت‌های

1. quantity

2- Billings, Quality in Design, 1993, P.2.

3. mode of existence

4. mode of reality

5. project

6. duality

7. subject-object

8. ego

9. ego-related qualities

ضمیری، کیفیت‌های حقیقی^۱ اشیاء را می‌توان به‌عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه‌گیری دارند، و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند، معرفی نمود.

ارزش‌های ذهنی - روانی یک شیئی که از آن‌ها به‌عنوان کیفیت‌های مطلوبیت^۲ شیئی نام می‌برند (نظیر زیبایی) از فرد نشأت می‌گیرد؛ در حالی که مقیاس‌های اندازه‌گیری عینی اشیاء که از آن به‌عنوان کیفیت‌های ظرفیتی^۳ نام می‌برند، از خود شیئی سرچشمه می‌گیرد. از این‌رو در مورد کیفیت یک شیئی می‌توان گفت: کیفیت یک شیئی درجه و میزان برتری، مشابهت با فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به‌عنوان مجموعه ویژگی‌های آن شیئی درک و محسوب می‌گردد. کیفیت یک شیئی از دو منبع ضمیر فرد و خود شیئی نشأت می‌یابد که به ترتیب آن‌ها را ارزش^۴ و مقیاس اندازه‌گیری^۵ نامیده، بیانگر دو گروه کیفیت‌های مطلوبیتی^۶ و "کیفیت‌های ظرفیتی^۷ اشیاء هستند."

سنجش کیفیت محیط اولین مرحله در اداره کردن و مدیریت کیفیت محیط نواحی سکونتی و روستایی و شهری می‌باشد (Poll Van, ۱۹۹۷: ۵). با توجه به اینکه کیفیت محیط یک مفهوم تک‌بعدی نیست، بلکه مجموعه‌ای از متغیرها می‌باشد (Zawadski and Crap, ۱۹۷۶: ۲۴۲)، منابع و روش‌های مختلفی برای شناسایی و ساختاربندی ویژگی‌های مرتبط با محیط‌های زندگی وجود دارد. ویژگی‌ها را می‌توان با استفاده از مصداق‌های مشابه، مرور ادبیات مربوطه و یا توسط مصاحبه (مستقیم یا غیرمستقیم) با اشخاص مرتبط با موضوع استخراج کرد (Poll Van, ۱۹۹۷: ۳۰). برای ساختاربندی ویژگی‌ها دو روش وجود دارد: روش تجزیه‌ای کل به جزء (از بالا به پایین) و ترکیبی جزء به کل (از پایین به بالا). حاصل کار هر دو روش ایجاد درخت ارزش به‌صورت سلسله‌مراتبی می‌باشد (Hajinejad, al et, ۲۰۰۹: ۶۹).

تمرکز روی کیفیت محیطی به‌عنوان کلیدی برای پژوهش در جغرافیای اجتماعی شهری و روستایی می‌باشد. بر این اساس جغرافیای اجتماعی تلاش قابل‌ملاحظه‌ای برای ارزیابی محیط‌های مختلف سکونتی معطوف داشته است - (Pacione, ۱۹۸۴). جغرافیدانان همواره هدف‌هایی از مطالعات جغرافیایی را ارتقاء کیفیت زندگی انسان عنوان کرده‌اند. در تعاریف متعدد که از علم جغرافیا از زمان‌های بسیار دور (از زمان ارتوستن) تاکنون ارائه شده است برای رابطه‌ی متقابل انسان و محیط تأکید داشته است. جغرافیدانان همواره در پی بهینه کردن این رابطه در جهت مطلوبیت بخشی به زندگی انسان بوده‌اند. این پژوهش در قالب دیدگاه مکتب جغرافیای رفتار فضایی سعی در تبیین ویژگی‌های فردی تأثیرگذار بر ادراک شهروندان از کیفیت محیط زندگی را دارد (Shokouei, ۲۰۰۵: ۱۱۱)؛ اما در این دیدگاه ویژگی‌های فردی نیز در این ارتباط تأثیرگذار می‌باشند، به بیانی دیگر در فرایند ادراک افراد از کیفیت محیط صافی‌هایی وجود دارد که آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تبیین رابطه‌ی رفتار انسان و محیط الگوهای

1. fact-related qualities

2. qualities of desirability

3. qualities of capacity

4. value

5. measure

6. qualities of desirability

7. qualities of capacity

مختلفی ارائه شده است. از جمله‌ی آن؛ الگوی ماشین انگار، الگوی ادراکی - شناختی - انگیزشی، الگوی رفتاری، الگوی بوم‌شناختی یا الگوی نظام‌های اجتماعی انسان می‌باشد. بررسی این الگوها نشان می‌دهد، در ابتدا نوع نگاه به رفتار انسان و محیط رابطه‌ی استاتیک و حاکی از تأثیرپذیری شدید انسان از محیط بوده است (الگوی ماشین انگار انسان) اما به مرور زمان دیدگاه‌ها به سمتی سوق پیدا کرده که رفتار انسان و محیط به صورت در هم تنیده، با هم و به صورت پویا و در حال تغییر مورد بررسی قرار می‌گیرند که این همان الگوی بوم‌شناختی را تداعی می‌نماید (Altman, ۲۰۰۲: ۲۴۸-۲۴۹). در طی دهه‌های اخیر هم‌زمان با فراگیر شدن مشکلات عدیده شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها، مفاهیمی چون «افزایش کیفیت محیط» در ابعاد مختلف اجتماعی، کالبدی، اقتصادی در جهت تقابل با این مشکلات مطرح شده‌اند. امروزه ارتقاء کیفیت محیط به‌ویژه در محیط‌های شهری، هدف مهم اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در کشورهای مختلف به شمار می‌رود و پرداختن به فضاهای شهری و افزایش توانمندی‌های آن‌ها از جمله ابزارهای مهم ارتقای کیفیت محیط تلقی می‌شود.

لزوم ارتقای کیفیت محیط و به تبع آن کیفیت زندگی، یکی از این رویکردهایی است که در زمینه اصلاح و تکامل مفهوم توسعه به وجود آمده است. این رویکرد که از تعامل پیوسته مؤلفه‌های گوناگون شکل گرفته و معتقد است که طراحی شهری علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، می‌باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی شهری نیز توجه نماید. کیفیت محیط مطلوب، تحت تأثیر عوامل و معیارهای مختلف می‌باشد که به‌طور عمده می‌توان عوامل کالبدی، فضایی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را نام برد که هر یک نیز، متشکل از معیارهای مختلفی می‌باشند.

مؤلفه‌های کیفیت محیطی

۱- سرزندگی

سرزندگی یک قاعده محافظه‌کارانه ولی در عین حال بسیار کلی است. یک خصوصیت انفعالی و حمایت‌کننده. بر تداوم سازگاری گروه تأکید دارد. ولی این سازگاری را در جدا از رشد فردی نمی‌بیند. ویتروبیوس یک قرن قبل از میلاد مسیح قواعدی را برای برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه‌های سالم تدوین کرد. شاید به تعبیری تعامل هرگونه تغییرات و تحولات عوامل فردی با معلولات؛ یعنی تعامل تغییرات مسکن با کیفیت محیطی را بتوان از نظریات وی استخراج کرد. وی برای طراحی سکونتگاه‌های سالم دانش مربوط به زمان بسیار قدیمی‌تر را نیز جمع‌آوری نمود. همان دانشی که ما به دانش بومی از آن تعبیر می‌کنیم و تأکید نیز خواهیم داشت که هرگونه تحولات می‌بایست با تکیه بر این دانش صورت گیرد. به همین ترتیب کتب هند باستان نیز از سلامتی در طراحی سکونتگاه صحبت می‌کنند. با وجود این موضوع سرزندگی، موضوعی حاد باقی می‌ماند زیرا در بعضی مناطق که معلومات خاصی در این زمینه وجود دارد، هنوز استفاده‌ای از آن به عمل نیامده است. در این تحقیق تلاش شده است از این فاکتورهای تأثیرگذار که شکل‌دهنده سرزندگی هستند در زمینه تأثیرگذاری تحولات مسکن بر کیفیت محیطی شاخص‌هایی را به وجود آورد که قابلیت اندازه‌گیری و سنجش داشته باشند. سکونتگاه‌های عظیم کشورهای در حال توسعه به‌مانند سکونتگاه‌های غربی صدسال پیش به همان اندازه برای زندگی خطرناکند زیرا روند سریع و غیرقابل پیش‌بینی و همچنین عدم مدیریت درست در هر ۲ مورد تحولاتی را شکل می‌دهد که اثرات آن تحمیل بار سنگینی بر کیفیت

محیطی می‌باشد. در کنار تمامی تهدیدهای جدی اعم از: کمبود جهانی غذا، آب و انرژی، محل سکونت انسان نیز با توجه به تحولات آن اثرات جبران‌ناپذیری بر محیط خواهد گذاشت. البته با پیشرفت تکنولوژی خطرات جدیدی نیز پدید خواهد آمد چه بسا نظام‌های رفع آلودگی ممکن است آلودگی‌های جدیدی را به گونه‌های دیگر ایجاد کند. نحوه‌های نوین معیشت و زندگی که بخشی از آن در تحولات مسکن نیز دخیل است و به دنبال آن از بین رفتن تهدیدهایی که در گذشته سلامتی را خطر می‌انداخت در سایه پیشرفت دانش همگی از مخاطراتی پرده برداشتند که تاکنون برای بشر شناخته شده نبود و با مقررات پذیرفته شده کهنه را به مسائل قابل حل تبدیل کرد.

برای مثال: چنین آشکار می‌شود که قرار گرفتن در معرض طیف باریک نور مصنوعی برای مدت طولانی ممکن است انسان را از استفاده از محرک‌های لازم که توسط طیف گسترده نور خورشید تأمین می‌شود، محروم گرداند که این امر می‌تواند توازن طبیعی بدن را که مبتنی بر روز خورشیدی است دچار اختلال سازد. شاید بتوان عنوان نمود که مثال یاد شده گونه‌ای از تحولات مسکن است که در آن به مسکن متناسب با اقلیم و انسان‌محور توجهی نشده است. سرزندگی از هر چیز دیگری به یک کالای و شاخص خالص نزدیک‌تر است؛ زیرا سلامتی و بقا ارزش‌هایی هستند که دارای مقبولیت و شناسایی عام می‌باشند و تهدید سلامتی نیز اغلب بدون تبعیض رخ می‌دهد. البته همچون اغلب کالاهای عمومی، سرزندگی به هنگام فقدان آن مورد توجه قرار می‌گیرد. همان‌طور که در فرضیه تحقیق نیز عنوان شده است در این قسمت با توجه به توضیحات ذکر شده متوجه خواهیم شده زمانی که روند تحولات مسکن و اثرگذاری آن بر کیفیت محیطی فاقد جنبه مدیریت شونده باشد این فقدان به همانند کالای عمومی مورد توجه قرار خواهد گرفت؛ زیرا هزینه ارتقا تحولات به‌سوی مثبت و یا جلوگیری از کاهش آن برای هر شخص ارتباطی با منفعتی که از آن کسب می‌کند ندارد؛ زیرا اثرات آن بر کیفیت محیط خواهد بود که شاید در برخی موارد در درازمدت قابل تشخیص و رؤیت باشد. سرزندگی تحت تأثیر سه متغیر زیر قرار دارد:

۱- بقا

بقا در حقیقت وجود محصول کافی برای ممکن شدن زندگی است. بقا تحت تأثیر نظام‌های عرضه و مصرف، تراکم اشغال نسب به منابع، مکان سکونتگاه، نقش ساختمان‌ها در میزان آفتاب و جریان هوا و روش حفاظت از فضا، خاک‌ها و پوشش گیاهی و چگونگی بهره‌گیری از آن‌ها، اراضی کشاورزی، گلخانه‌ها، خاک حفاظت‌شده، شبکه‌های فاضلاب، چاه‌ها، کنترل نهرها، کانال‌ها، آبریزها، شکل و مشخصات زمین قرار دارد.

← عوامل فوق همگی تمهیدات و فاکتورهایی هستند که برای تحقق بقا مؤثر می‌باشند →

۲- ایمنی

محیط مطلوب زمانی مطلوبیت قابل‌سنجش و ایده آلی خواهد داشت که از نظر کالبدی محیطی امن باشد. محصول و زمینه رسیدن به این درجه از ایمنی در گرو لحاظ نمودن و پی بردن به اهمیت شاخص‌هایی است که به شرح ذیل می‌باشند:

۱- کنترل آلودگی آب‌وهوا ۲- مسمومیت غذایی ۳- وجود سموم ۴- ریشه منی بیماری‌ها و ناقلین آن‌ها ۵- کاهش تصادفات ۶- حفاظت در برابر تهدیدات انسانی ۷- جلوگیری از سیل و آتش‌سوزی ۸- مقاومت در برابر زلزله

پیشگیری از وقوع عوامل فوق که بی‌ارتباط در روند تحولات مسکن نیستند می‌تواند ضامن شکل‌گیری یک سکونتگاه ایده آل و تحت کنترل باشد.

۳- سازگاری

سازگاری به معنی تطبیق محیط با ساختار بیولوژیکی انسان است؛ یعنی به عبارت دیگر سازگاری محیط با فعالیت یعنی به روایتی [نزدیک‌تر به هدف رساله] سازگاری محیط با مسکن که هدف اصلی است.

سازگاری را می‌توان از طریق ایجاد تغییر و اصلاح مکان، رفتار و یا هر دو تحقق بخشید. این کار با تحقیق و تحلیل در مورد رفتار و مکان قابلیت بررسی دارد. وسیله تحلیل، مشاهده رفتار واقعی در یک بستر معین همراه با بحث در مورد مسائل دنیای کسانی است که از آن بستر امکان استفاده می‌کنند. ایجاد بسترهای جدید سازگار و آموزش استفاده‌کنندگان درست از اماکن، مسکن روستایی و همچنین بهبود بسترهای موجود از مصنوعات جالب می‌باشد.

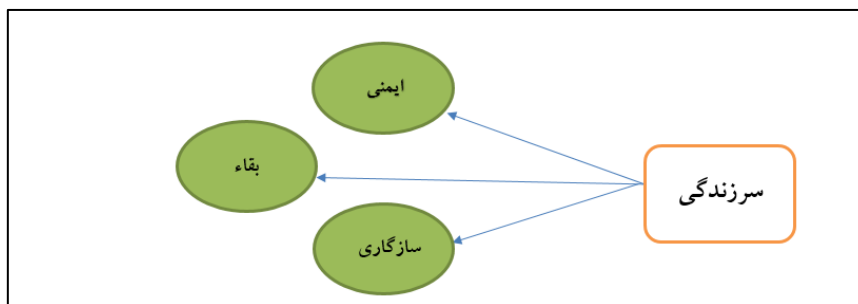
سرزندگی و تأثیرگذاری آن بر کیفیت محیطی

سرزندگی از هر چیز دیگری به یک کالا و شاخص خالص نزدیک‌تر است؛ زیرا سلامتی و بقا ارزش‌هایی هستند که دارای مقبولیت و شناسایی عام می‌باشند و تهدید سلامتی نیز اغلب بدون تبعیض رخ می‌دهد. البته همچون اغلب کالاهای عمومی، سرزندگی به هنگام فقدان آن مورد توجه قرار می‌گیرد (Lynch, 2005: 160). همان‌طور که در فرضیه تحقیق نیز عنوان شده است در این قسمت با توجه به توضیحات ذکر شده متوجه خواهیم شد، زمانی که روند تحولات مسکن و اثرگذاری آن بر کیفیت محیطی فاقد جنبه مدیریت شونده باشد این فقدان به همانند کالای عمومی مورد توجه قرار خواهد گرفت. در حقیقت ادراک محیطی، از تعامل و تقابل ادراک حسی و اطلاعات شناختی، که در ذهن انسان ذخیره شده‌اند؛ حادث می‌شود. در این فرایند، نقش محیط به‌عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و درنهایت در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (Marans, 2003: 65). همان‌طور که عنوان گردید سرزندگی متشکل از سه مقوله: ایمنی، بقاء و سازگاری است که بازخورد تمامی رفتارهای انسان در محیط در روند شکل‌گیری سرزندگی تحت سه عنصر یادشده به وجود می‌آید. به همین جهت در این بخش به تعریف مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

الف- بقاء: وجود دستاورد کافی برای ممکن شدن زندگی (Lynch, 2005: 156). قاعده اصلی، بقا و پایداری گروه است یعنی اثرات متقابل انسان به‌واسطه تحولات مسکن بر کیفیت محیطی از این مؤلفه آغاز می‌شود و بعد از آن بهزیستی و سعادت فردی و رشد توانایی‌های ذاتی انسان خواهد بود.

ب- ایمنی: محیط مطلوب زمانی مطلوبیت قابل‌سنجش و ایده آلی خواهد داشت که از نظر کالبدی محیطی امن باشد (Lynch, 2005: 156). محصول و زمینه رسیدن به این درجه از ایمنی در گرو لحاظ نمودن و پی بردن به اهمیت شاخص‌هایی است که به شرح ذیل می‌باشند: کنترل آلودگی آب‌وهوا، جلوگیری از سیل و آتش‌سوزی، مقاومت در برابر زلزله و پیشگیری از وقوع عوامل ذکر شده که بی‌ارتباط در روند تحولات مسکن نیستند می‌تواند ضامن شکل‌گیری یک سکونتگاه ایده آل و تحت کنترل باشد.

ج- سازگاری: سازگاری به معنی تطبیق محیط با ساختار بیولوژیکی انسان است (Lynch, 2005: 156)؛ یعنی به عبارت دیگر سازگاری محیط با فعالیت یعنی سازگاری محیط با مسکن که هدف اصلی است.



شکل ۱: مؤلفه سرزندگی و متغیرهای آن Source: Research findings

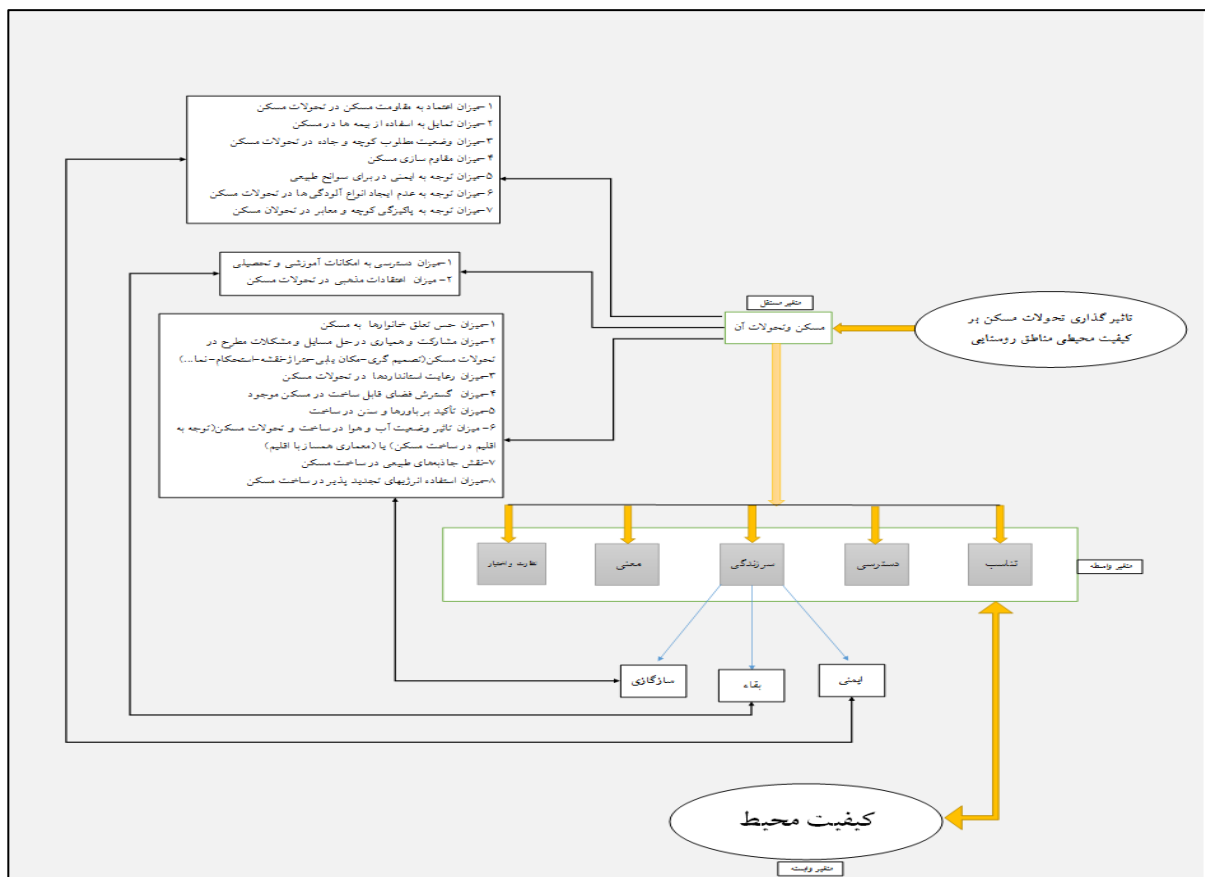
امروزه با توجه به تغییر شیوه زندگی دیگر نیاز به پردازش ایده مسکن دفاعی به گونه‌ای که در گذشته مطرح بوده، نیستیم. امروزه دفاع به معنی حفظ حریم کالبدی یا بصری است. در حقیقت تحولات مسکن می‌بایست ریشه بوم گرایانه داشته و با تکیه بر دانش بومی شکل گیرد. در روند همه این تحولات نیز کیفیت محیطی همیشه اثرپذیر بوده است؛ زیرا در تمامی این مراحل، تحولات مسکن و سکونتگاه انسان می‌بایست در کنار محیط و با تکیه بر اثرگذاری بر آن شکل می‌گرفت. استفاده از شکل سکونتگاه جهت دفاع، امروزه توجه خود را به کشمکش‌های ناامیدکننده محلی (حد، مرز و تعیین حدود) و یا به راه‌های زندگی با اتومبیل، [این قاتل راحت] معطوف کرده است. وابستگی محل سکونت به تعامل با حرکت خودرو خود دلیلی است که می‌بایست محیط را درگیر نمود و این تحولات به‌خودی‌خود اثر خود را به‌صورت نامحسوس بر کیفیت محیطی خواهد گذاشت. چه بسا بیشتر برنامه‌ریزی‌های حمل‌ونقل به‌جای اینکه در راستای حفظ کیفیت محیطی و همسو با آن در رابطه با تحولات مسکن شکل گیرد به رابطه بین الگوهای کالبدی و مقررات آن و میزان تصادفات شکل گرفته است. کیفیت ساخت و طراحی مسکن باید به‌گونه‌ای انجام شود که از خطرات احتمالی (آتش‌سوزی، سیل و...) در امان باشد تا بتوان در مواقع بحرانی راه‌حل‌های مدیریتی را اعمال نمود و کمترین تخریب و اثر سو را بر کیفیت محیطی وارد شود. گیلان یک اقلیم خرد و ناحیه‌ای دارد. آثار زیان‌بار اقلیم‌های خرد و بعضاً نامساعد کاملاً شناخته‌شده و شاید عموماً موجب آزرده‌گی شوند. لیکن در تحولات مسکن به‌جز استفاده از راه‌حل‌های فنی برای فضاها داخلی نظیر تهویه و...، کمتر تفکر بومی طراحی لحاظ شده است. به همین جهت تأثیرگذاری بر کیفیت محیطی به سبب راحت‌گرایی در این مقوله اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ بنابراین نظم دادن مسکن به‌گونه‌ای که بتوان یک اقلیم خرد مطبوع‌تر و سالم‌تری ایجاد کرد باید به مهارت شناخته‌شده و مکتوب تبدیل شود. قانونمند کردن شکل یک سکونتگاه که خود بخشی از محیط تلقی می‌گردد، به‌منظور دسترسی کلیه بناها به نور و تهویه مطبوع و طبیعی به‌منظور صرفه‌جویی انرژی امروزه به‌عنوان یک موضوع مهم تلقی می‌گردد؛ زیرا کنترل اقلیم در مقیاس بزرگ‌تر هنوز خارج از حوزه عمل انسان قرار دارد.

اثرات تخریب بر کیفیت محیطی در نواحی روستایی امروزه به طرز گسترده‌ای می‌بایست مورد مطالعه قرار گیرد. برای یک روستایی که زندگی او چیزی جدا از محیط نیست و شاید اکثر فعالیت‌های وی حتی در داخل مسکن نیز وابسته به محیط باشد، لازم است که هماهنگی‌های لازم در قانونمند کردن موارد ذکرشده به عمل آید تا یک روستایی ناآگاهانه عاملی برای تحمیل هزینه سنگین و اثرگذار بر کیفیت محیط نشود. طراحی سنتی سکونتگاه همیشه در جستجوی راه‌های کاهش تلاش فیزیکی بوده است. نظیر کوتاه کردن فواصل، احتراز از باربری توسط انسان، حذف تغییر سطح‌ها، استفاده از بالابرها و وسایل نقلیه مکانیکی و به‌طورکلی استفاده از وسایل صرفه‌جویی در

نیروی انسانی (Lynch, 2005: 164). این نوع طراحی در پاره‌ای موارد با اثرگذاری بر کیفیت محیط و تغییر محیط همراه بوده است. نظیر تسطیح سطوح و کوتاه کردن فواصل، حمل و نقل و... انسان درباره جزئیات یک محیط سرزنده اطلاعات خوبی دارد اما مشکل انسان در کاربرد و استفاده از آن دانش است. علاقه انسان به سلامتی کیفیت محیط بر این مبنا توجیه می‌شود که به تمام ابعاد آن وابسته‌ایم و با تخریب آن ما نیز به‌عنوان عنصری از آن آسیب خواهیم دید؛ بنابراین ثبات نسبی کیفیت محیطی مناطق روستایی اقدامی است که باید با اهمیت تلقی شود. میزان ارزشی که برای سرزندگی و به‌طور اخص بقاء، ایمنی و سازگاری می‌توان قائل شد، از مکانی به مکان دیگر متفاوت است. سلامتی و عملکرد مناسب و درست یک مسکن را می‌توان حس کرد و از آن استفاده نمود اما اندازه‌گیری و ارائه تعریفی برای آن‌ها چون پای انسان در میان است کاری دشوار تلقی می‌گردد؛ بنابراین می‌بایست به دنبال سطح معقولی از تحولات مسکن بود که قابل‌سنجش و ملموس برای ساکنین باشد و نه فقدان آن.

نمودار ۱: مدل مفهومی مقاله (2018) Research findings Source

معرفی منطقه مورد مطالعه

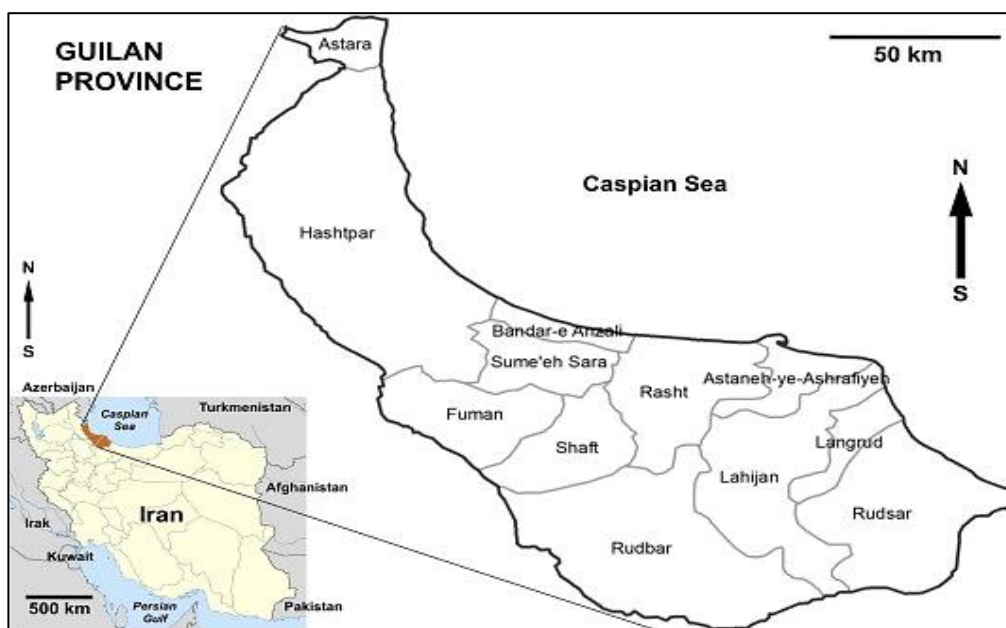


استان گیلان یکی از استان‌های شمالی کشور با مساحت ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع می‌باشد. این استان در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۹، استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۵۱ شهر و ۱۰۹ دهستان است. این استان همچنین در سال ۱۳۹۵ دارای ۲۹۰۵ آبادی (۲۵۶۷ آبادی دارای سکنه و ۳۳۸

آبادی خالی از سکنه) بوده است. در استان گیلان، اقوام مختلفی زندگی می‌کردند که امروزه بر اثر عوامل طبیعی، تاریخی، سیاسی، مهاجرت‌ها و ارتباطات وسیع قرن اخیر بین این استان با سایر نقاط کشور، اثر چندانی از بعضی اقوام مشاهده نمی‌شود. این اقوام عبارتند از:

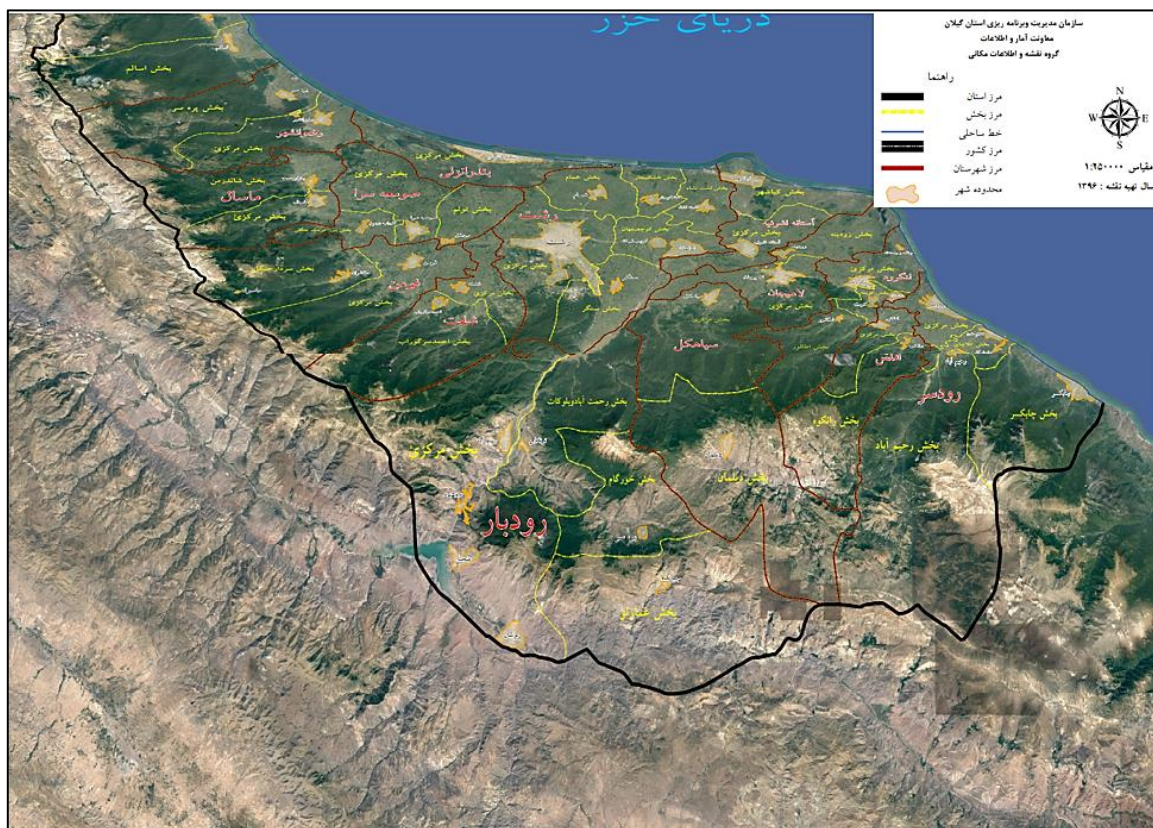
۱. گیل
۲. دیلم
۳. کادوس‌ها
۴. مادها
۵. کاس‌ها (کاسپین‌ها)
۶. دوربیک‌ها

درازای آن از شمال باختری به جنوب خاوری، ۲۳۵ کیلومتر و پهنای آن، از ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر تغییر می‌کند. رشته کوه‌های البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر، همانند دیواری در باختر و جنوب گیلان کشیده شده و این منطقه جز از راه دره منجیل، راه شوسه دیگری به فلات ایران ندارد. کمترین فاصله کوه از دریای خزر (در بخش حویق از شهرستان تالش) نزدیک به ۳ کیلومتر و بیشترین فاصله آن از دریا (در امامزاده هاشم، مسیر جاده رشت- قزوین) حدود ۵۰ کیلومتر است و از ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی برخوردار می‌باشد. این استان، از شمال به دریای خزر و جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر و ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه است. شهرستان‌های استان گیلان عبارتند از: آستارا - آستانه اشرفیه - املش - بندر انزلی - تالش - رشت - رضوانشهر - رودبار - رودسر - سیاهکل - شفت - صومعه‌سرا - فومن - لاهیجان - لنگرود - ماسال.



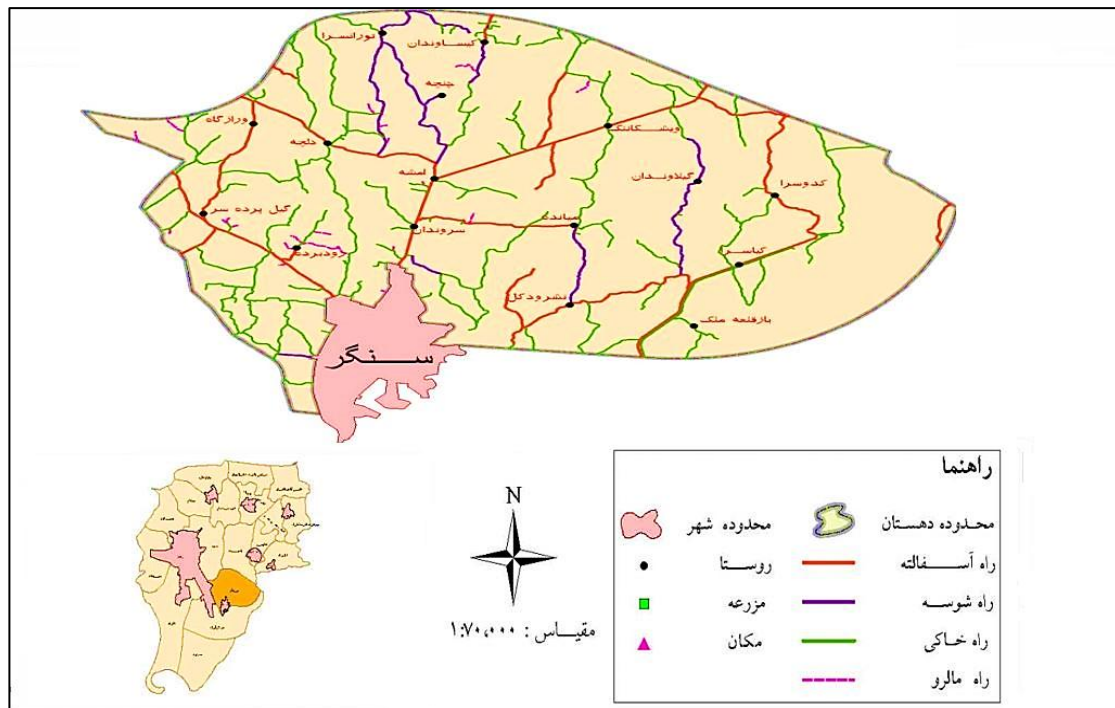
نقشه ۱: نقشه استان گیلان. Source: <http://sangarcity.com> & authors.

پراکندگی جمعیت در نقاط روستایی استان گیلان به ویژه جلگه مرکزی آن به گونه ای است که آبادیها در آن در فواصل کمتری نسبت به هم و در ارتباط سهل و آسان نسبت به شهرها واقع شده اند که عرضه خدمات اولیه به آنها نیز به گونه ای آسان انجام می پذیرد. در یک مقایسه سطحی در هر ۴۷۸ کیلومتر مربع از مساحت استان، یک شهر و در هر ۵ کیلومتر مربع، یک روستا وجود دارد. در حالی که در کل کشور در هر ۳۳۲۲ کیلومتر مربع، یک شهر و در هر ۲۵ کیلومتر مربع، یک روستا وجود دارد. این امر فشردگی مراکز استقرار جمعیت در گیلان را به خوبی نشان می دهد. مهم ترین ویژگی نحوه استقرار جمعیت در گیلان، کم جمعیت بودن نسبی شهرها و پرجمعیت بودن نسبی روستاها است. لذا به تبع چگونگی استقرار جمعیت، نسبت شهرنشینی در استان گیلان پایین تر از کشور است. بطوریکه از نظر استقرار جمعیت، چهره روستایی دارد. شهرستان رشت: با مساحت ۱۲۷۲/۲ کیلومتر مربع در مرکز استان گیلان واقع شده است، رشت از شمال به دریای خزر و شهرستان بندر انزلی، از جنوب به شهرستان رودبار، از شرق به شهرستان آستانه اشرفیه، لاهیجان و سیاهکل و آستانه اشرفیه، لاهیجان و سیاهکل و از غرب به شهرستان های شفت و صومعه سرا و بندر انزلی محدود می شود. طبق آخرین تقسیمات اداری شهرستان رشت دارای ۶ بخش، مرکزی، خمام، خشکبیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت نشاء، ۶ نقطه شهری رشت (مرکز شهرستان)، سنگر، کوچصفهان، لشت نشاء، خشکبیجار، خمام، ۱۸ دهستان حومه، پیربازار، پسیخان، لاکان، چوکام، کته سر، چاپارخانه، نوشر، حاجی بکنده، سنگر، سراوان، اسلام آباد، بلسبنه لولمان، کنارسر، گفشه، جیرنده، علی آباد زیبا کنار جزء این تقسیمات می باشند. همچنین مرکز رشت دارای ۲۹۶ آبادی می باشد.



نقشه ۲: تقسیمات سیاسی استان گیلان Source: <https://www.gilan.ir>

شهرستان سنگر در ۱۵ کیلومتری شهر رشت قرار دارد. منطقه‌ای که امروز به نام سنگر معروف است نام قدیم آن کوهدم بوده است بخش سنگر فعلی شامل: شاقاجی، سراوان و امام زاده هاشم که سابق براین وسعتی بیشترداشت، کوهدم اکنون به عنوان یک اسم تاریخی مطرح است و این نام از افواه افتاده است. در فرهنگ جغرافیایی ارتش آمده «سنگر و کهدمات نام یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان رشت است. این دهستان در جنوب رشت طرفین شوسه‌ی رشت به تهران واقع شده و مرکز دهستان قصبه‌ی دوشنبه بازار است... این دهستان از ۴۰ ده بزرگ و کوچک تشکیل شده. کوهدم در روزگار گذشته امارت مستقلی را تشکیل می‌داد که شامل بخش کوهدم فعلی و نواحی رودبار و رحمت آباد یا به عبارت دیگر دره‌ی سفیدرود که از گوکه تا منجیل ادامه داشت را شامل می‌شد. مرکز این ناحیه گوراب کوهدم بود که به دست نیروهای سلطان محمد بیه پیشی به سال ۸۸۰ هجری قمری سوزانده شد. بخش سنگر از یک شهر به نام سنگر به عنوان مرکز بخش و سه دهستان به نام‌های: دهستان اسلام آباد - دهستان سراوان - دهستان سنگر تشکیل شده است.



Source: <https://www.gilan.ir>

بخش سنگر شهرستان رشت در مختصات جغرافیایی ۳۴ ۴۹ تا ۴۷ ۴۹ طول شرقی و ۰۱ ۳۷ تا ۱۵ ۳۷ درجه عرض شمالی قرار دارد. بخش سنگر از طرف شمال به بخش کوچصفهان، از طرف شمال شرق به شهرستان آستانه اشرفیه، از طرف شمال غرب و غرب به بخش مرکزی از طرف جنوب و جنوب شرق به بخش رحمت‌آباد و بلوکات شهرستان رودبار، از طرف شرق به شهرستان سیاهکل و لاهیجان محدود می‌شود. اکثر روستاهای بخش سنگر شهرستان رشت در بخش جلگه‌ای گیلان قرار دارند. روستاهای این بخش دارای ۱۷۶۵۹ نفر جمعیت و ۵۹۵۶ خانوار هستند که مشتمل بر ۳ دهستان (سنگر، اسلام‌آباد و سراوان) و ۴۰ روستا است (مرکز آمار ایران: ۱۳۹۵)؛ که از

این تعداد، ۱۵ روستا بالای ۱۰۰۰ نفر و ۱۳ روستا بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر و مابقی یعنی ۱۲ روستا زیر ۴۹۹ نفر جمعیت دارند.

یافته‌های پژوهش

این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، از نوع تحلیلی - توصیفی است. توصیفی است؛ چراکه شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (Sarmad, 2002: 82)؛ و تحلیلی است، زیرا به بررسی شاخص‌های تأثیرگذار تحولات مسکن بر کیفیت محیط از طریق سه متغیر اصلی سرزندگی از طریق روش‌های تحلیلی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های مختلف آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون t-test برای بررسی نزدیکی به میانه نظری می‌پردازد. در زمینه جمع‌آوری اطلاعات در خصوص مبانی نظری مرتبط با تأثیر تحولات مسکن از دید روستاییان، از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در حالی که بعد از جمع‌آوری اطلاعات اولیه با نتیجه‌گیری و تبیین معیارها شاخص‌های مربوطه و تدوین پرسشنامه، فرایند کار میدانی پژوهش آغاز شده و داده‌ها و اطلاعات حاصل از پیمایش، پرسشنامه، مصاحبه و نظرسنجی از شهروندان در جهت سنجش سؤالات و بررسی فرضیات پژوهش در محدوده موردنظر به کار گرفته شده است. لازم به ذکر است که پرسشنامه حاوی سؤالاتی از روستاییان در خصوص بعد ذهنی به‌کارگیری شاخص‌ها در هنگام تحولات مسکن آن‌ها است و بر مبنای طیف ۵ مقیاسی لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شده است.

یافته‌های توصیفی

جامعه آماری موردنظر در این تحقیق ساکنین بخش سنگر می‌باشند که در یک دهه اخیر تغییراتی (اعم از نوسازی و بهسازی و...) در مسکن خویش ایجاد نموده‌اند که بدین ترتیب ساکنین واجد شرایط تعداد ۵۹۳۷ خانوار می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه جامعه از فرمول کوکران استفاده می‌گردد که در این فرمول:

$$t \leftarrow 1,96 \text{ (سطح معنی‌داری } 5 \text{ درصد)}$$

$$P \leftarrow 0,6 \text{ (نسبتی از جمعیت دارای صفت معین (مساکن فاقد تغییرات)}$$

$$q \leftarrow 0,4 \text{ (نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (مساکن دارای تغییرات)}$$

$$d \leftarrow 0,05 \text{ (احتمال خطای اندازه‌گیری)}$$

است که تعداد حجم نمونه (گویه‌ها) به دست آمده ۳۴۴ مشخص می‌گردد.

تجزیه و تحلیل متغیرها

برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه به برنامه‌ریزی محیطی لازم و ضروری است. تا در سایه آن بتوان در حوزه‌های مختلف، به ارزیابی‌هایی دقیق پرداخت و میزان اثرگذاری هر عامل را شناسایی کرد. امروزه تحولات مسکن به‌عنوان یکی از این عوامل راهی را پیموده است که نتیجه آن فشار به برخی از شاخص‌های کیفیت محیطی در نواحی روستایی است. بر اساس مباحث مطرح‌شده، می‌توان متغیرهایی کلی مرتبط با مؤلفه سرزندگی را به‌صورت زیر تعریف نمود:

جدول شماره ۱: متغیرهایی کلی مؤلفه سرزندگی

متغیرهای کلی سرزندگی مرتبط با مسکن و...
کنترل آلودگی آب
طراحی مفید به منظور کاهش تصادفات (حرکت خودرو)
حفاظت در برابر تهدیدات انسانی
جلوگیری از سیل و آتش‌سوزی
تحولات مسکن در راستای تأمین حرارت داخلی بدن (معماری همساز با اقلیم)
تحولات مسکن در راستایی که فعالیت انسان همسو با محیط اطراف باشد (خوردن - خوابیدن ...)
تحولات مسکن در راستایی که زمینه خوب دیدن و خوب شنیدن انسان بدون تحت فشار قرار گرفتن وی فراهم آید از طریق طراحی یک مسکن مناسب با در نظر گرفتن (پله، در، شیب، دسترسی و...) [ارگونومی]
تراکم اشغال نسبت به منابع
مکان سکونتگاه (در نزدیکی منابع آب و غذا و سوخت و...)
نقش ساختمان‌ها در میزان آفتاب
پوشش گیاهی محیط و نحوه حفظ آن‌ها در روند هرگونه ساخت‌وساز
طراحی مسکن سازگار و همسو با رشد فردی
طراحی سکونتگاه سالم با استفاده از دانش بومی
استفاده درست از تکنولوژی به گونه‌ای که خود تکنولوژی آلودگی به وجود نیاورد.
فهرنگ‌سازی در زمینه‌ای که این مسئله نهادینه شود که ارتقا و تحولات مسکن برای هر شخص با منافع که از آن کسب می‌کند ارتباط دارد. (فشار بر محیط) مثل راه‌اندازی یک شبکه فاضلاب جدید
انجام هرگونه تغییرات مستلزم قانون باشد و زیر نظر مرجعی قانونی و رسمی
توجه به استقلال محلی بومی با تکیه بر منابع محلی و دانش بومی
تعیین حدود و ایجاد کشمکش‌های محلی
طراحی مناسب در اقلیم خرد با توجه به شرایط خاص آن
علم استفاده از طراحی سستی نامناسب و سکونتگاه [در مقوله مسکن] که همیشه در جستجوی کاهش تلاش فیزیکی بوده است. (مثل حذف تغییر سطح‌ها و همچنین کاهش فواصل و...)

Source: Research findings (2018)

متغیرهای مطرح‌شده در جدول شماره (۱) برگرفته از تعاریف سرزندگی و متغیرهای مرتبط با نحوه تأثیر آن بر کیفیت محیطی و رابطه آن با مسکن است. لازم است که این متغیرها در مرحله بعدی غربال گردیده و با توجه به عنوان پژوهش، مرتبط با عنوان مسکن مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس آن چهارچوب مفهومی پژوهش به وجود آید. لذا در مرحله بعد متغیرهایی مطرح گردید که اثر مستقیم با تحولات مسکن و کیفیت محیطی دارند.

جدول ۲: متغیرهای مؤلفه سرزندگی که اثر مستقیم با تحولات مسکن و کیفیت محیطی دارند

متغیرهای سرزندگی مرتبط با تحولات مسکن
کنترل آلودگی آب (نحوه دفع فاضلاب‌ها و...)
جلوگیری از سیل و آتش‌سوزی
حفاظت در برابر تهدیدات انسانی (حرایم و خطرات دیگر...)
مکان سکونتگاه (نزدیکی به منابع آب، سوخت و...)
طراحی سکونتگاه با استفاده از دانش بومی
استفاده درست از تکنولوژی (به گونه‌ای که خود تکنولوژی سبب آلودگی نگردد)
نقش ساختمان‌ها در میزان جذب و دفع آفتاب و جریان هوا و روش حفاظت از فضا

Source: Research findings (2018)

۷ متغیر مطرح‌شده در جدول شماره (۲) در حقیقت خروجی و مکمل متغیرهایی است که در رابطه با تحولات مسکن و اثر مستقیم با کیفیت محیطی، می‌تواند مبنای تعیین شاخص‌های نهایی برای رسیدن به میزان این تأثیرات مد نظر قرار گیرد. در حقیقت این متغیرها از جمله عواملی هستند که انسان در هنگام تحولات مسکن سهواً و یا عمداً با آن‌ها درگیر می‌باشند و هر یک از آن‌ها به نوبه خود و به صورت مختلف بر کیفیت محیطی اثرگذار خواهند بود. لذا تهیه

گویه ها و تبدیل آن‌ها به شاخص‌های قابل ارزیابی، کمک شایانی در برنامه‌ریزی برای مسکن و تحولات آن خواهد داشت.

تدوین شاخص‌ها

برای تعیین شاخص‌های نهایی که مبنای این تحقیق برای میزان اثرگذاری تحولات مسکن بر کیفیت محیطی است، لازم است که شاخص‌ها بر مبنای مؤلفه‌های تأثیرگذار و شکل‌دهنده سرزندگی تعریف شوند. در حقیقت با شکل‌گیری این شاخص‌ها و وزن‌دار کردن آن‌ها و با انجام آزمونهای مختلف روی آن‌ها می‌توان به میزان اثرپذیری محیط از تحولات مسکن از طریق مؤلفه سرزندگی دسترسی پیدا کرد.

جدول ۳: تعریف عملیاتی متغیرهای نظری

مؤلفه (یکی از مؤلفه های کیفیت محیطی)	متغیرها سرزندگی	شاخصهای تاثیر گذار تحولات مسکن بر کیفیت محیطی (گویه ها)	تعداد گویه ها
سرزندگی	ایمنی	میزان اعتماد به مقاومت مسکن در تحولات مسکن . میزان تمایل به استفاده از بیمه-ها برای مسکن . میزان وضعیت مطلوب کوچه و جاده در تحولات مسکن . میزان مقاوم-سازی مسکن . میزان توجه به ایمنی در برابر سوانح طبیعی . میزان توجه به عدم ایجاد انواع آلودگی ها در تحولات مسکن . میزان توجه به پاکیزگی کوچه-ها و خیابان در تحولات مسکن	۷
	بقاء	میزان دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی. میزان اعتقادات مذهبی در تحولات مسکن	۲
	سازگاری	میزان حس تعلق خانوارها به مسکن. میزان مشارکت و همیاری در حل مسایل و مشکلات مطرح در تحولات مسکن. (تصمیم گری-مکان بایی-مترائ-نقشه-استحکام- نما...). میزان رعایت استانداردها در تحولات مسکن . میزان گسترش فضای قابل ساخت در مسکن موجود . میزان تأکید بر باورها و سنن در ساخت. میزان تاثیر وضعیت آب و هوا در ساخت و تحولات مسکن(توجه به اقلیم در ساخت مسکن) یا (معماری همساز با اقلیم). نقش جاذبه-های طبیعی در ساخت مسکن . میزان استفاده از زیبایی تجدید پذیر در ساخت مسکن	۸
کل			۱۷

Source: Research findings (2018)

در حقیقت شکل‌گیری جدول شماره (۳)، پاسخ پرسش اول پژوهش است که حاوی شاخص‌های مؤلفه سرزندگی است که از طریق تحولات مسکن بر کیفیت محیط اثرگذارند. جهت کمی نمودن مدل تجربی پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش مقیاس‌سازی استفاده شده است. همانطور که بیان گردید، مقیاس‌سازی در این پژوهش بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت صورت گرفته است. به‌طوری‌که امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان تمایل به استفاده از عوامل ذکرشده (در جدول شماره ۳) در هنگام تحولات مسکن است؛ و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان به‌کارگیری و توجه به شاخص‌ها است. بدین ترتیب عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری پاسخ‌ها انتخاب می‌شود. ($1 < X < 5$). برای مقایسه میانگین امتیاز هر متغیر در سه متغیر مؤلفه سرزندگی، ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها در این سه متغیر بررسی شد. برای این منظور از آزمون تک نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون، داده‌های جمع‌آوری شده در هر سه متغیر، از توزیع نرمال پیروی می‌کند. حال با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها در متغیرهای سه‌گانه، برای مقایسه میانگین امتیاز هر متغیر (ایمنی، بقاء و سازگاری) از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. (جدول شماره ۴) فرض صفر: میانگین در سه گروه با هم برابر است و فرض مقابل: حداقل میانگین یکی از گروه‌ها با دیگری فرق دارد.

جدول ۴: تحلیل واریانس یک طرفه - مقایسه مؤلفه سرزندگی کیفیت محیط با کل سه متغیر (ایمنی، بقاء و سازگاری)

واریانس یک طرفه (ANOVA)					
سرزندگی					
سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰۰۰	۱۰۰.۶۳۸	۵.۳۹۰	۸	۴۳.۱۱۶	بین گروهی
		.۰۵۴	۳۳۵	۱۷.۹۴۰	درون گروهی
			۳۴۳	۶۱.۰۵۷	جمع

Source: Research findings (2018)

با توجه به جدول (۴)، در ستون آخر عدد ($p^1 < 0,05$) نشان می‌دهد که فرض صفر رد می‌شود و اختلاف بین میانگین در سه متغیر وجود دارد. به طوری که در جدول شماره (۵)، اختلاف معناداری هر متغیر نسبت به مؤلفه سرزندگی بر اساس تحلیل واریانس یک طرفه مشخص شده است. نتایج مندرج در ستون آخر نشان می‌دهد که متغیر بقا ($0,05 < p$) نسبت به مؤلفه سرزندگی دارای اختلاف معناداری است و متغیرهای ایمنی و سازگاری ($p > 0,05$) اختلاف معناداری با سرزندگی ندارند.

جدول ۵: تحلیل واریانس یک طرفه - معناداری مؤلفه سرزندگی با هر یک از سه متغیر (ایمنی، بقاء و سازگاری)

واریانس یک طرفه (ANOVA)						
سطح معناداری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات		
.۰۵۵	۱.۲۸۵	.۲۷۷	۱۹۹	۵۵.۱۸۴	بین گروهی	ایمنی
		.۲۱۶	۱۴۴	۳۱.۰۸۳	درون گروهی	
			۳۴۳	۸۶.۲۶۸	جمع	
.۰۰۰	۵.۴۷۹	۱.۶۹۱	۱۹۹	۳۳.۵۱۶	بین گروهی	بقاء
		.۳۰۹	۱۴۴	۴۴.۴۴۶	درون گروهی	
			۳۴۳	۳۸۰.۹۶۲	جمع	
.۲۴۸	۱.۱۱۳	.۲۴۳	۱۹۹	۴۸.۳۶۳	بین گروهی	سازگاری
		.۲۱۸	۱۴۴	۳۱.۴۴۶	درون گروهی	
			۳۴۳	۷۹۸.۰۹	جمع	

Source: Research findings (2018)

اما با این آزمون مشخص نیست که میانگین در کدام متغیرها و به چه صورت متفاوت است. برای اینکه تفاوت میزان اثرگذاری هریک از متغیرها (در مؤلفه سرزندگی) به صورت دوجه‌دو نیز بررسی شود، از آزمون دو نمونه زوج شده^۱ استفاده گردیده است.

آزمون دو نمونه زوج شده (Paired Samples Test)									
سطح معناداری (معیار تصمیم)	درجه آزادی	آماره t	اختلافات زوج شده				میانگین زوج	انحراف معیار زوج	
			فاصله اطمینان اختلافات ۹۵٪		خطای استاندارد میانگین				
			کران بالا	کران پایین					
.۰۰۰	۳۴۳	۵.۴۸۹	.۴۵۵۷۸	.۲۱۵۲۲	.۰۶۱۱۳	۱.۱۳۳۷۳	.۳۳۵۵۵	زوج اول - ایمنی - بقاء	
.۰۰۰	۳۴۳	۴.۷۹۲	.۲۵۴۹۴	.۱۰۶۵۶	.۰۳۷۷۲	.۶۹۹۶۲	.۱۸۰۷۵	زوج دوم - ایمنی - سازگاری	
.۰۱۶	۳۴۳	-۲.۴۲۰	-.۲۸۹۷	-.۲۸۰۶۲	.۰۶۳۹۷	۱.۱۸۶۴۸	-۱۵۴۸۰	زوج سوم - بقاء - سازگاری	

جدول ۶: نتایج آزمون t دو نمونه زوج شده

Source: Research findings (2018)

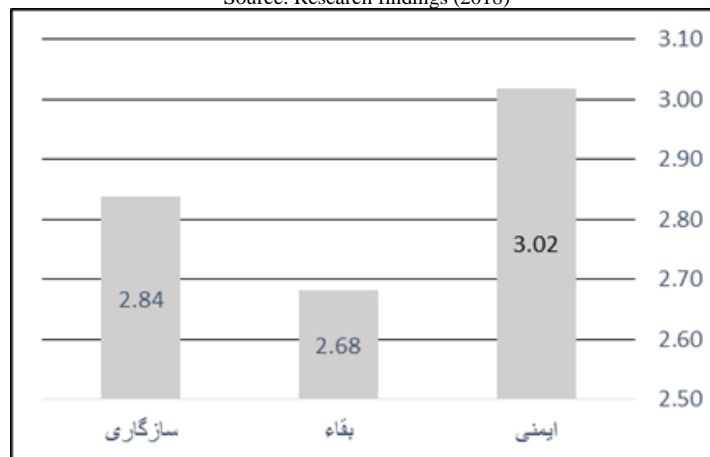
¹. Paired Samples Test

در این جدول (شماره ۶) نیز اعداد به دست آمده در ستون آخر عدد ($p < 0,05$) نشان می‌دهد که میانگین هر یک از متغیرها نسبت به یکدیگر در تأثیرپذیری از تحولات مسکن از دید ساکنین دارای اختلاف معناداری هستند. با توجه به این نکته که مشخص شد میزان اثرگذاری متغیرها متفاوت است، در ادامه سطح و میزان اثرگذاری آن‌ها از نگاه روستاییان در محدوده مطالعاتی به طور جدا گانه بررسی شد که بر اساس آن، همانطور که در نمودار شماره (۲) و جدول شماره ۸ مشخص است، تأثیرپذیری مؤلفه سرزندگی از طریق متغیر ایمنی با امتیاز ۳/۰۲ با بیشترین میزان تأثیر، نزدیک به حد متوسط است و متغیر "سازگاری" با امتیاز ۲,۸۴ در رتبه دوم قرار دارد که البته این عدد به حد متوسط نزدیک است و متغیر بقاء با امتیاز ۲/۶۸ در رتبه سوم تأثیرگذاری از طریق تحولات مسکن قرار دارد.

جدول ۷: میانگین شاخص‌های تحولات مسکن در هریک از متغیرهای سه‌گانه‌ی مؤلفه سرزندگی

آماره‌های تک نمونه‌ای (One-Sample Statistics)				
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
ایمنی	۳۴۴	۳,۰۲	۰,۵۱۵	۰,۲۷۰
بقاء	۳۴۴	۲,۶۸	۱,۰۵۳۹	۰,۰۵۶۸
سازگاری	۳۴۴	۲,۸۴	۰,۴۸۲۴	۰,۰۲۶۰

Source: Research findings (2018)



نمودار ۲: رتبه‌بندی میانگین شاخص‌های تحولات مسکن در هریک از متغیرهای سه‌گانه‌ی مؤلفه سرزندگی

Source: Research findings (2018)

نتایج ذکر شده در نمودار شماره ۲ و جدول شماره ۷، از طریق آزمون تک نمونه‌ای t نیز قابل اثبات است. (جدول شماره ۸)

جدول ۸: آزمون تک نمونه‌ای t برای متغیرهای سه‌گانه

آزمون تک نمونه t (One-Sample Test)						
مقدار آزمون = ۳						
آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری (معیار تصمیم)	میانگین اختلافات		فاصله اطمینان اختلافات ۹۵٪	
			کران پایین	کران بالا	کران پایین	کران بالا
۰,۶۹۱	۳۴۳	۰,۴۹	۰,۱۸۶۹	۰,۰۳۴۵	۰,۰۷۱۹	ایمنی
-۰,۵۷۶	۳۴۳	۰,۰۰	-۰,۳۱۶۸۶	-۰,۴۲۸۶	-۰,۲۰۵۱	بقاء
-۰,۶۳۱	۳۴۳	۰,۰۰	-۰,۱۶۲۰۶	-۰,۲۱۳۲	-۰,۱۱۰۹	سازگاری

Source: Research findings (2018)

قابل مشاهده است که مقدار p برای متغیر بقا و سازگاری کمتر از $0,05$ می‌باشد یعنی با عدد ۳ میانه اختلاف دارند (اعداد میانگین $2/68$ و $2/84$ می‌باشند). در صورتی که مقدار p در متغیر ایمنی بزرگتر از $0/05$ است یعنی با عدد میانه ۳ اختلاف معناداری ندارند (عدد میانگین $3/02$ است). در نهایت برای به دست آوردن میزان امتیاز مؤلفه سرزندگی در تأثیرگذاری بر کیفیت محیط از طریق تحولات مسکن از دیدگاه ساکنین و بر اساس متغیرهای سه‌گانه، از آزمون تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول ۹: نتیجه آزمون تک نمونه‌ای t برای مؤلفه سرزندگی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
۳۴۴	۲۸۴۲۲	۴۲۱۹۱	۰.۲۲۷۵

Source: Research findings (2018)

همان‌طور که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود، میانگین امتیاز مؤلفه سرزندگی محیط در بخش سنگر به صورت کلی عددی معادل $2/84$ به دست آمد. این امتیاز در طیف لیکرت کمتر از عدد ۳ یعنی میانه نظری است. با توجه به نتایج جدول شماره ۱۰ ملاحظه می‌شود که بین میانگین امتیاز مؤلفه سرزندگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کیفیت محیط و عدد ۳ اختلاف وجود دارد ($p < 0/05$). بدین ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که میانگین امتیاز مؤلفه سرزندگی در تأثیرپذیری از تحولات مسکن برای اثرگذاری بر کیفیت محیط در بخش سنگر، به عدد ۳ بسیار نزدیک است. به عبارتی مؤلفه سرزندگی در تأثیرپذیری از تحولات مسکن از دید ساکنین (پرسش دوم پژوهش)، به‌طور کلی در سطح متوسط ارزیابی شده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

کیفیت محیط روندی است که جوامع طی آن استانداردهای زندگی خود را ارتقا می‌بخشند؛ که در واقع از آن بعنوان توسعه یاد می‌شود علاوه بر این در مفهوم توسعه ارزش‌های زیادی وجود دارد که از روابط جدید اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی تأثیر می‌پذیرد. مفهوم توسعه در برابر رشد قرار می‌گیرد. توسعه یک مفهوم کیفی را مشخص می‌کند و می‌توان آن را معادل با افزایش کیفیت زندگی دانست که مسائلی مانند: بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی بیان و ... را در برمی‌گیرد. به دلیل سکونت ۴۷ درصد جمعیت جهان در نواحی روستایی و وجود مسائلی همچون مهاجرت کارگران و کشاورزان روستایی، تخلیه جمعیتی روستاها و پیامدهای ناشی از آن، بهبود کیفیت استانداردهای زندگی و توجه به سرزندگی مناطق روستایی از جمله اهداف سیاست‌مداران کشورهای مختلف قرار گرفته است. سرزندگی روستایی (بخشی از عملکرد و تغییر جامعه روستایی بوده و اینکه آن‌ها به چه نحو موجب پایداری و بهبود سرزندگی جوامع روستایی می‌شود در راستای کامیابی یک ناحیه ضروری است. سرزندگی جوامع روستایی وابسته به زیرساخت‌های مطلوب و پایدار جوامع، دسترسی به خدمات، افزایش مشاغل و فرصت‌های اقتصادی و به‌کارگیری دستورات سیاسی در راستای تقویت نتایج است. یکی از عوامل مؤثر در سرزندگی جوامع روستایی، وجود مسکن باکیفیت است. مسکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای تیپ‌های مختلفی است. این مسکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معیشت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستاییان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود،

اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت در این مسکن استانداردهای لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه روستایی به شمار می‌رود. در واقع وجود مسکن مناسب به نیازهای اساسی انسان پاسخ داده و باعث بهبود کیفیت زندگی انسان می‌شود. تأمین کیفیت مسکن یکی از اهداف اصلی در برنامه‌های مسکن در کشورهای توسعه‌یافته است. در ایران که فرآیند مدرنیزاسیون را با شتاب تجربه می‌کند، چگونگی تأمین کیفیت در مسکن یکی از چالش‌های جدی فراروی برنامه‌ها و سیاست‌های مسکن است. همان‌طور که می‌دانیم، مسکن یکی از نیازهای مهم انسان تلقی می‌گردد به همین جهت سیاست‌گذاری مربوط به مسکن در تمامی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در گذر زمان سیر تکوینی زندگی اجتماعی باعث دگرگونی در شیوه زندگی گردید که موجب شد انسان شکل‌های متفاوتی از مسکن را تجربه کند. در دهه‌های اخیر با رشد و پیشرفت تکنولوژی در ابعاد مختلف زندگی و حرکت به سوی مدرن شدن، تحولات مسکن نیز شتاب بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. بدون در نظر گرفتن شاخص‌های کیفیت محیطی، شکل‌گیری مسکن که قرار بوده سازنده محمل امن و آسایش روانی انسان باشد، با اثرات بازخورد فشار از محیط، این خصوصیات خود را از دست خواهد داد. مسکن روستایی دارای مبانی اقلیمی، محیطی، معیشتی، فرهنگی و فنی است. این مبانی رمزگشای این واقعیت است که مسکن روستایی در تعامل انسان با طبیعت متبلور شده است. آنچه که امروزه به‌عنوان یک رویکرد جدید و یک ضرورت به آن توجه می‌شود، توسعه پایدار و به‌تبع آن معماری پایدار است که در مسکن بومی روستایی ایران قرن‌ها حائز اهمیت بوده است. موضوعی که امروزه در ساخت‌وسازهای غیربومی در روستاها از آن غافل شده و یا به نقش طبیعت و حفظ و نگهداری کیفیت محیطی روستا به‌واسطه استفاده از انرژی‌های پاک طبیعی در احداث مسکن به‌صورت ناچیز به آن پرداخته شده است.

ساخت‌وساز مسکن روستایی نوعی دخالت در محیط طبیعی یک روستا محسوب می‌شود. به‌واسطه هرگونه دخالت (در اینجا منظور مسکن روستایی) در روستا، منظر و کیفیت محیطی روستا تغییر خواهد نمود. ورود تکنولوژی ناهمگون با محیط زیست روستا اثری مخرب بر کیفیت محیطی نواحی روستایی خواهد گذاشت. برای جلوگیری از رویداد ذکر شده در فرآیند استفاده و احداث مسکن به‌کارگیری تفکرات بومی، از به‌کارگیری مصالح و فناوری بومی گرفته تا بازیافت در فرآیند بازسازی و بهسازی لازم، منطقی و ضروری بوده به سرزندگی و کیفیت محیط اثر خواهد گذاشت. گرایش به طبیعت یکی از باورها و نیازهای فطری انسان امروزی است. این مقوله حفظ طبیعت و بهبود کیفیت محیطی را بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. زندگی در مکان سکونتی طبیعت‌گرا میل و گرایش به سمت بهبود و افزایش کیفیت محیطی را به وجود می‌آورد. اگرچه گذر زمان تغییر در نیازها و مفاهیم را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما برخی نیازهای بشر مثل تعامل با طبیعت دارای بن‌مایه‌های پایداری است. به‌طوری که معیشت روستاییان در پیوندهای عمیق با کیفیت محیط قرار دارد. به همین جهت شکل‌گیری محیط مصنوعی چون مسکن می‌بایست متأثر و همسو با فاکتورهای کیفیت محیطی مرتبط با آن محیط شکل گیرد. در حقیقت می‌توان گفت لحاظ کردن عوامل جغرافیایی در ساخت‌وساز مسکن یکی از عوامل حفظ پایداری نواحی روستایی و به‌تبع آن بهبود کیفیت محیطی روستا تلقی می‌گردد؛ زیرا اثرات منفی بازخورد تحولات نامأنوس مسکن را در درازمدت کاهش خواهد داد. در بخش سنگر در دهه‌های اخیر، نحوه ساخت مسکن دگرگون شده و موجب گردید که تغییرات

مانند قبل در راستای استفاده از مصالح محیط طبیعی و مطابقت با آن و در نظر گرفتن کیفیت محیطی نباشد و بیشتر در زمینه اخذ الگوهای جدیدی قرار گیرد که عمدتاً وارداتی هستند. لازم است که هر روستایی در این بخش، با توجه به شرایط محیطی و انسانی منطقه‌ای که در آن قرار دارد، شکل و بافت و شرایط محیطی ویژه آن مکان را درک نموده و اثرات آن را در طراحی و ساخت مسکن خویش به کار گیرد.

برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه به برنامه‌ریزی محیطی لازم و ضروری است. تا در سایه آن بتوان در حوزه‌های مختلف، به ارزیابی‌هایی پرداخت و میزان اثرگذاری هر عامل را شناسایی کرد. امروزه تحولات مسکن به‌عنوان یکی از این عوامل راهی را پیموده است که نتیجه آن فشار به برخی از شاخص‌های کیفیت محیطی در نواحی روستایی است. در شرایطی که ساختار مسکن روستایی باید در سایه توجه به شرایط و عوامل محیطی هر منطقه باشد و تحولات، متأثر از متغیرهای محیط قرار گیرد، اما به نظر می‌رسد که در بخش سنگر شهرستان رشت این رابطه در بعضی از نقاط روستایی و به دلایل مختلف، حالت نامانوسی به خود گرفته است؛ بنابراین برای قرار دادن اثر این تحولات در یک چهارچوب خاص و برنامه‌ریزی و هدایت درست آن، نیاز به توجه و آسیب‌شناسی در این زمینه بیش از گذشته آشکار می‌گردد. برخی تغییرات و تحولات صورت گرفته در بخش سنگر عبارت‌اند از: تحول در نقشه و اجزا، نوع اسکلت، نمای بیرونی، مساحت، کارکرد، تعداد طبقات و همچنین تحولات در استفاده از مصالح. تمامی این تحولات درتجمع با یکدیگر اثری بر مسکن این بخش گذاشته‌اند که بر کیفیت محیطی را نیز تحت شعاع خود قرار داده‌اند؛ بنابراین ضروری است که این تحولات صورت گرفته در این بخش در راستای دستیابی به محیطی بهتر هدایت شوند... ویژگی‌های اقلیمی در استان گیلان موجب شده است تا شرایط این استان از نظر جغرافیایی نسبت به سایر استان‌های کشور متفاوت باشد. شرایط پرباران این استان در نحوه زندگی و ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ساکنان آن تأثیر فراوان داشته است. به‌طوری که در پی این تأثیرات، شاهد تحولات جغرافیایی مسکن روستایی در این منطقه از کشور هستیم. روستاهای شهرستان بخش سنگر رشت در بخش جلگه‌ای گیلان قرار دارند. روستاهای این شهرستان دارای ۴۴۷۲۰ نفر جمعیت و ۱۵۰۳۱ خانوار می‌باشند که مشتمل بر ۳ دهستان و ۴۰ روستا است که از این تعداد، ۱۵ روستا بالای ۱۰۰۰ نفر و ۱۳ روستا بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر و مابقی یعنی ۱۲ روستا زیر ۴۹۹ نفر جمعیت دارند. در سالهای اخیر تغییرات زیادی در بخش مسکن صورت گرفته است که از جمله تغییرات عمده در نوع استفاده از مصالح و از طرفی تغییرات الگوی ساخت است در واقع این سوال اصلی مطرح می‌گردد که تحولات مسکن روستایی تا چه اندازه بر کیفیت محیط روستاها اثر گذار بوده است.

مسکن در میان نیازهای انسان یکی از نیازهای مهم است. در گذر زمان سیر تکوینی زندگی اجتماعی باعث گردید که انسان شکل‌های متفاوتی از مسکن را تجربه کند. مسکن شهری امروز گونه‌هایی از دستاورد بشر می‌باشند اما مسکن روستایی به غیر از کارکرد مسکن شهری (محل آسایش خانواده) محل فعالیت‌های اقتصادی در روستا نیز می‌باشند. در خانه‌های روستایی فضاهای مختلف و لازم برای کار و زندگی، انبار کالاها و آذوقه، نگهداری دام و انجام مراسم مهیا است. در واقع خانه‌های روستایی را می‌توان تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی - معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار در شکل برخی آن‌ها دانست. با توجه به کارکرد مسکن روستایی که هم جنبه اقتصادی و هم جنبه سکونت دارد بررسی تحولات مسکن روستایی و اثرگذاری آن‌ها

بر کیفیت محیطی اهمیت می‌یابد. در بخش سنگر ایجاد تعادل بین احداث مسکن در قالب ساخت‌وساز نوین و شیوه سنتی بومی آن، امری ضروری تلقی می‌گردد. احداث بسیاری از مسکن قدیمی به صورت بومی به صرف غیر آکادمیک بودن علوم بومی، دلیل بر نامطلوبی آن نیست بلکه شاید در بسیاری از موارد جنبه‌های توجه و احترام به کیفیت محیطی بسیار پررنگ‌تر از زمان حال درخور توجه و اهمیت بوده که با ذهن خلاق انسان سنتی و بومی به صورت ابنیه‌ای قابل ذکر متبلور گردیده است. استفاده از هر گونه تغییر و تحول به کارگیری و ادغام با قابلیت‌های مبنای بومی می‌تواند در همسویی با محیط و یا کیفیت محیطی تاثیر گذار باشد.

در بخش سنگر روند تحولات به خصوص در شیوه زندگی روستاییان سریعاً تغییر یافته است و بطوریکه طی چند دهه اخیر، روستاها، تحت تاثیر تغییرات اجتماعی، از لحاظ زیستی و فرهنگی، دچار دگرگونی فزاینده‌ای شده‌اند. در دوره پیش از مدرن که مربوط به حدود نیم قرن پیش است، روستا همواره الگوی تولید بوده و به عنوان بنیان شهر، از اهمیت اقتصادی و اجتماعی زیادی برخوردار بوده است؛ اما پس از گسترش مدرنیسم و با توسعه امکانات و خدمات رفاهی در روستا تغییراتی نیز در شیوه یا سبک زندگی روستایی پدید آمد که ساختار و شکل خانه نیز متناسب با آن دستخوش تغییر و تحول شد در مجموع در روستاهای بخش سنگر به دلیل اینکه مسکن روستایی به عنوان کانون متمرکز و تبلور کالبدی ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی روستاییان است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بعد کلان، عملکرد مسکن در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به ویژه از نقطه نظر نقش آن در ایجاد اشتغال و جریان سرمایه و نهایتاً ایجاد رفاه و آسایش روانی و فکری جامعه اهمیت خاصی یافته و در بعد خرد نیز دستیابی به مقوله عمران و روستایی به عنوان عنصری مهم از پیکره اقتصادی کشور، لزوم توجه به مسکن روستایی را ضروری می‌سازد.

تحلیل شرایط کمی و کیفی محیط خصوصاً محل زندگی انسان (مسکن روستایی)، از طریق روش‌های کمی و مدل‌های مختلف تجربی و برنامه‌ریزی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت محیط به کار می‌رود. بررسی مؤلفه سرزندگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کیفیت محیط نیز در همین راستا قرار دارد. در این بین شناسایی و سنجش شاخص‌های تحولات مسکن مربوط به ایمنی، بقا و سازگاری به عنوان زیرشاخه‌های سرزندگی لازم و ضروری است. کاربرد ضوابط ذکر شده بسیار جامع و لازم بوده زیرا جهت استفاده در برنامه‌ریزی بلندمدت برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در رابطه با عوامل کالبدی و غیر کالبدی محیط مسکونی ارزشمند می‌باشند. به همین جهت دیدگاه ساکنین که در روند تغییرات و تحولات مسکن بر کیفیت محیط اثرگذار هستند بسیار حائز اهمیت است. به همین دلیل در این مقاله تلاش شد تا با تبیین این شاخص‌ها بتوان در روند تحولات مسکن که مقوله‌ای اقتصادی نیز محسوب می‌شود به یک استاندارد دست‌یافت تا بر اساس آن کیفیت محیطی در راستای این تحولات به گونه‌ای سازمان‌یافته قرار گیرد تا آسیب کمتری متوجه محیط گردد. لازم به ذکر است که تنظیم چهارچوب تجربی این پژوهش از طریق پرسش‌های کارشناسی و همچنین مطالعات میدانی تکمیل شده است و در هر مرحله معیارها و مؤلفه‌ها تکمیل گشته و نهایتاً گویه‌های نهایی تشکیل شد. در نهایت کلیه یافته‌های تحقیق حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت. به‌طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده از امتیازات آزمون‌های صورت گرفته بر روی داده‌ها، امتیاز مؤلفه سرزندگی در تأثیرپذیری از تحولات مسکن، برای اثرگذاری بر کیفیت محیط از

دید روستاییان، در سطح متوسط ارزیابی شده است. ($1 < 2/84 < 5$) در این راستا متغیر ایمنی با امتیاز ۳,۰۲ بیشترین توجه روستاییان را در هنگام تحولات مسکن برای اثرگذاری بر سرزندگی به خود جلب می‌نماید. سازگاری با امتیاز ۲/۸۴ و بقا با امتیاز ۲/۶۸ در رتبه‌های بعدی توجه روستاییان قرار دارند؛ بنابراین بر اساس نتایج حاصل در این پژوهش، می‌توان گفت که روستاییان در هنگام تحولات مسکن خود در گام نخست، نگاه کمتری به محیط خویش نسبت به سایر عوامل دارند. به همین دلیل در رویکردهای برنامه‌ریزی لازم است اقداماتی صورت گیرد که هماهنگی تحولات مسکن و کیفیت محیط بیش از پیش مد نظر قرار گیرد.

References

- Beiti, Hamed. (2012). Analyzing position of the local patterns in upgrading countryside dwelling (Case Study: East Azerbaijan province), [In Persian], Journal of Urban Management Plan, No. 29, Pages 115-130
- Bentley, Yan. (2003). Responsive environments: a manual for designers, Translation by Mostafa Behzadfar, First Edition, Tehran: Center for Publications of the University of Science and Technology.
- Cremona, Matthew, Tisdale, Steve. (2003). Reading urban design concepts. Translation by Kamran Zakavat and Farnaz Farshad, Tehran: Azarakhsh Publications.
- Golkar, Kourosh. (2001). Components of Urban Quality, [In Persian], Safeh Journal, Shahid Beheshti University, Publication, No. 32, Pages. 38-68.
- Hannachi, Pirooz, Kousheshgaran, Akbar. (2008). Valuable texture of villages explores strategies, policy interventions in the structure, [In Persian], Journal of Abadi, No. 59, Pages. 31-24.
- Lang, John. (2007). Urban Design (Typology of Procedures and Design), translation by Seyyed Hossein Bahreini, Tehran: Tehran University Publication.
- Lotfi, Heydar, Ahadi, Ali, Hasanzadeh Farujid, Davood. (2009). Indicators and Indicators of Rural Housing Planning and Policy in Iran, [In Persian], Quarterly Journal of Environmental Based Territorial Planning, Malayer, No. 7, page. 121.
- Lynch, Kevin. (2005) A Theory of City Form, translated by Seyyed Hossein Bahreini, Tehran: Tehran University Publication.
- Mahdizadeh Javad. (2006). Strategic Planning for Urban Development (Recent World Experience and its Status in Iran), Deputy of Architecture and Urban Planning, [In Persian] Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Publication.
- Marans, R.W. 2003. Understanding environmental quality through quality of life studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicator, Journal of Landscape and Urban Planning, No. 65: Pages. 73- 83.
- Motalebi, Qasem. (2001). (Environmental Psychology; New Knowledge in the Service of Urban Architecture and Design), [In Persian], Journal of Honar - ha - ye - Ziba-Memari-Va-Shahrsazi, No. 10, pages 67-52.
- Motie Langroodi, Seyyed Hassan (2003), Management for Rural Renovation of the European and North American Experience, [In Persian], Journal of Geography and Regional Development, Mashhad, No. 1, Pages 251-229.
- Motie Langroodi, Hassan. (2011). Rural Planning with Emphasis on Iran, [In Persian], Fifth Edition, Mashhad: University Jihad Publication.
- Pakzad, Jahanshah. (2007). (Articles on Urban Design), [In Persian], by Elham Souri, Tehran: Shahidi Publication.
- Rahimi, Hamzeh, Baraghi, Hamid, Bashagh, Mohammad Reza, Nouri, Mohammad. (2014). Journal of Research and Rural Planning, [In Persian], third year, No.8, Pages. 13-25
- Saeedi, Abbas. (1994). Socioeconomic Requirements in the Construction of Rural Homes, Seminar Articles on Housing Development Policies in Iran, [In Persian], First Edition, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Publication.

- Saeedi, Abbas, Amini, Fariba. (2010). Unstable Settlement and Functional Development of Rural Housing (Case Study: Khafar Village, Branch of Natanz), [In Persian], Journal of Iranian Geographic Society, No. 27, Pages.29-44.
- Sarmad, Zohreh, Bazargan, Abbas, Hejazi, Elaheh. (2018). Research Methods in Behavioral Sciences, [In Persian], Tehran: Agah Publication.
- Sadeghlou, Tahereh, Azizi Soraya (2016). Evaluation of the Effect of Housing Renovation and Housing Improvement on the Quality of the Rural Environment, (Case Study: hoome Village, Shirvan City), [In Persian], Journal of Geography and Planning, No. 61, Pages. 223-240.
- Sirtipipour, Mohsen. (2011). Phenomenology of Rural Housing in Iran, [In Persian], Journal of Sufeh,, Issue 19, No. 12, Pages. 47-60.
- Statistics Center of Iran. (2016).Statistical Yearbook of Population and Housing Census in Rasht.